

مقاله پژوهشی: رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه و تأثیر آن بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران

محمد اکرمی‌نیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۹/۰۵/۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۷/۹۹

چکیده

سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه در مقاطع مختلف به اشکال متفاوت بروز و ظهور پیدا نموده است. رویکرد جدید دولت آنکارا بر مسائل منطقه از جمله امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرگذار بوده است. به همین دلیل هدف اصلی این مقاله، شناخت رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه و تأثیر آن بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران است. این تحقیق از نوع کاربردی بوده و با روش توصیفی و موردی زمینه‌ای انجام شده است. ابتدا مؤلفه‌های سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری از طریق اسناد و مدارک دست اول احصا شده، سپس با شاخص‌سازی و طراحی پرسشنامه، رویکردهای سیاست خارجی ترکیه مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق، رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه در ابتدای بحران، سیاست بی‌طرفی بوده، سپس ترکیه رویکرد خود را به میانجی‌گری بین دولت و گروه‌های تارشگری تغییر داده است؛ در نهایت ترکیه به سیاست حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تارشگری روی آورده است. تأثیر این سیاست عبارت بوده است از: تغییر موازنه قوای منطقه‌ای به زیان ایران، ظهور و تقویت گروه‌های تارشگری ضد ایران، افزایش تهدیدات قومیتی در ایران، افزایش فرقه‌گرایی در منطقه، افزایش تهدیدات مرزی، تضعیف محور مقاومت در منطقه، شکل‌گیری الگوی منازعه در منطقه، افزایش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه.

کلید واژه‌ها: رویکردهای سیاست خارجی، ترکیه، سوریه، ایران، گروه‌های تارشگری، امنیت نظامی.

مقدمه

از دیرباز منطقه غرب آسیا یکی از مناطق بحرانی جهان و عرصه رقابت قدرت‌های بین‌المللی بوده است. در طول سال‌های اخیر با اوج‌گیری موج بیداری اسلامی در منطقه و سرنگونی برخی نظام‌های سیاسی وابسته به غرب، قدرت‌های غربی با کمک و همراهی کشورهای عرب منطقه در صدد مقابله با این موج گسترده برآمدند و با طراحی نقشه‌های متعدد از جمله ایجاد و تقویت گروه‌های تارشگری در کشورهای عراق و سوریه، تلاش کردند در بیداری اسلامی انحراف ایجاد نمایند. یکی از کشورهای مهم منطقه که مورد هدف قدرت‌های غربی قرار گرفت، کشور سوریه بوده است. کشورهای غربی با همراهی و پشتیبانی برخی از کشورهای منطقه تلاش کردند با بحران آفرینی در سوریه علاوه بر انحراف در موج بیداری اسلامی در منطقه، سوریه را از محور مقاومت جدا نمایند. در این راستا گروه‌های متعدد تکفیری و تارشگری در سوریه ایجاد و تقویت شدند و با حمایت‌های برخی کشورها بر سطح وسیعی از خاک سوریه مسلط گردیدند. به تدریج بحران حضور و فعالیت گروه‌های تارشگری به سطحی گسترده در سوریه کشیده شد و به جنگ وسیعی تبدیل گردید. گسترش گروه‌های تارشگری، منطقه را با تهدیداتی مواجه ساخته و موجب شده هر یک از کشورهای منطقه، سیاست خاصی را در قبال بحران سوریه اتخاذ نمایند. با توجه به گستردگی بحران سوریه و تعدد و تکثر بازیگران در این بحران، طبیعتاً این بحران همه کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داده است.

در میان بازیگران مختلف در بحران سوریه، ترکیه در قبال این بحران، واکنش‌های متفاوت از خود نشان داده است. در این مقاله به رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تروریستی در سوریه و تأثیرات آن بر امنیت نظامی ایران پرداخته شده است. هدف این مقاله شناخت چستی رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه و تأثیر آن بر امنیت نظامی ایران است.

هدف مطرح شده در این مقاله این است که «رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه ابتدا بی‌طرفی بوده، سپس به میانجی‌گری بین دولت و گروه‌های تارشگری رسیده و در نهایت به حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تارشگری

انجامیده است و این رویکردها با تغییر موازنه قوای منطقه‌ای به زیان ایران، ظهور و تقویت گروه‌های تارشگری ضد ایران در منطقه غرب آسیا، افزایش تهدیدات قومیتی در ایران، افزایش فرقه‌گرایی در منطقه غرب آسیا، افزایش تهدیدات مرزی، تضعیف محور مقاومت در منطقه، شکل‌گیری الگوی منازعه به جای همکاری در منطقه و افزایش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه غرب آسیا، بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی دارد».

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی است و با استفاده از روش توصیفی و موردی زمینه‌ای انجام شده است. با توجه به گردآوری داده‌های کمی و کیفی و تجزیه و تحلیل دو دسته از داده‌های جمع‌آوری شده، رویکرد تحقیق آمیخته است. جامعه آماری این تحقیق نیز عبارت‌اند از: صاحب‌نظران مسائل منطقه غرب آسیا و ترکیه و متخصصان حوزه امنیت نظامی در آجا و همچنین مراکز علمی و پژوهشی کشور که تعداد آن‌ها با بررسی به‌عمل آمده حدود ۲۵۰ نفر برآورد شده است. حجم جامعه نمونه با استفاده از روش کوکران حدود ۵۵ نفر تعیین شده که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب گردیده است. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات نیز مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای است. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها، اسناد و مدارک و پرسش‌نامه بوده است. ابتدا با بررسی اسناد و مدارک مربوط به چستی سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه، مؤلفه‌های مربوط احصا شده و در مورد آن‌ها شاخص‌سازی صورت گرفته است. شاخص‌ها در قالب پرسش‌نامه‌ای با ۳۶ سؤال (شاخص) به جامعه نمونه ارائه شده است.

اطلاعات گردآوری شده از طریق اسناد و مدارک به روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شده‌اند و داده‌های گردآوری شده با ابزار پرسش‌نامه با استفاده از آمارهای استنباطی تحلیل شده‌اند.

پیشینه‌شناسی تحقیق

در خصوص رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در غرب آسیا تاکنون مقالات پراکنده‌ای چاپ شده‌اند. اهم این پیشینه‌ها به شرح ذیل است: دکتر «زهرا پیشگاهی فر و همکارانش» در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مواضع ترکیه در قبال تحولات منطقه مورد مطالعه: داعش» که در نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام (سال ۱۳۹۸) به چاپ رسید، به ارزیابی رویکرد ترکیه بر تحولات منطقه به‌ویژه داعش پرداخت. یافته این مقاله به این صورت است که ترکیه با ارزیابی اشتباه خود مبنی بر سقوط قریب الوقوع بشار اسد در سوریه، تمام تلاش‌ها و اهداف خود را روی شورشیان و مخالفان سوریه متمرکز کرد. دولت اردوغان با هدف بی‌ثبات‌سازی دولت بشار اسد و مقابله با کردها به حمایت از داعش پرداخت. البته ترکیه در راستای تحقق اهداف خود، برخی اقداماتی را که مانع هژمونی این کشور در منطقه محسوب می‌شد، در دستور کار خود قرار داد. ازجمله می‌توان به تلاش برای کاهش نقش جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه، بی‌ثبات کردن دولت شیعی عراق، تغییر رژیم در سوریه و شکل‌دهی دولت‌های همسو با اهداف این کشور در منطقه اشاره کرد.

اثر بعدی در این زمینه، «ماهیت رقابت و تعارض ایران و ترکیه در سوریه و عراق» است که توسط «مسعود رضایی» در پژوهشنامه «علوم سیاسی» زمستان ۱۳۹۵ به چاپ رسید. استدلال اصلی نویسنده در این مقاله این بوده است که «نوع و ماهیت بازیگری ایران در سوریه با بازیگری ترکیه» تفاوت اساسی دارد؛ در حالی که ایران هم در عراق و هم در سوریه به دنبال تقویت دولت مرکزی و جلوگیری از شکاف سیاسی است و منافع خود را در گرو حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه ارزیابی می‌کند؛ ترکیه بازی خود را معطوف به حمایت از گروه‌هایی کرده است که در اصل در تقابل جدی با دولت مرکزی قرار دارند و گاهی با جابه‌جایی راهبردی، سقف دوستی‌ها و دشمنی‌ها را کوتاه کرده است.

مقاله دیگر با عنوان «بررسی سیاست خارجی ترکیه در دوره اسلام‌گرایان در قبال سوریه و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران» است که توسط «ابوالفضل

سعادت‌تی» و «هادی تاجیک» در تابستان ۱۳۹۵ در فصلنامه «سیاست دفاعی» به چاپ رسید. نویسندگان بر این باورند که «روابط دوجانبه ترکیه و سوریه تا سال‌های آغازین قرن ۲۱ م تحت تأثیر سه اختلاف عمده بر سر کردها، تقسیم آب دجله و فرات و اختلافات ارضی بر سر منطقه «هاتای»، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است، اما با بروز تحولات سیاسی و شکل‌گیری بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ م، این کشور به میدانی برای رقابت‌های بین‌المللی و بازیگری قدرت‌های منطقه بدل گردید. دولت ترکیه با بازیگری در تحولات این کشور در جهت کسب وجهه‌ای اجتماعی و جلب توجه نظام غرب و اتحادیه اروپا گام برداشت و اقدامات مختلفی را در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی و نظامی علیه سوریه انجام داد که این مسئله در راستای اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران نبود».

از دیگر آثار مهم در این زمینه، مقاله «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه» است که توسط «جمشید شریفیان» در «فصلنامه امنیت پژوهی» در تابستان ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است. نویسندگان بر این باورند که: «ایران، ترکیه و سوریه سه کشور راهبردی در منطقه غرب آسیا هستند که تحولات داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی در هرکدام موجب تأثیر و اثر متقابل می‌گردد. تهران و آنکارا در مورد بحران سوریه نظرات و اهداف و منافع متفاوتی دارند. ترکیه به دنبال همکاری با جبهه غربی ضد سوری (به‌طور مشخص آمریکا، عربستان و قطر) برای حمایت از مخالفین نظام سوریه است و به پایگاهی برای تشکیل، تجهیز و حمایت مخالفان بشار اسد تبدیل شده است. در حالی که ایران دخالت خارجی در سوریه را مردود شمرده و خواستار اصلاحات مردمی بر اساس راه‌حل سوری - سوری است. سقوط بشار اسد را خواسته غرب و رژیم صهیونیستی می‌داند و معتقد است که به دلیل حمایت سوریه از جریان مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی، باید با برنامه آمریکا و عربستان در خاورمیانه و به‌ویژه در مورد سوریه مخالفت کرد».

مبانی نظری و ادبیات تحقیق

الف) ادبیات و مفاهیم

سیاست خارجی

در گذشته سیاست خارجی، به مذاکرات بین دربار پادشاهان و سلاطین و فرستادگان دولت‌های خارجی با مقامات رسمی کشورها که اغلب به صورت مخفیانه حل و فصل می‌شد، اطلاق می‌گردید. در دهه‌های اخیر مفهوم سیاست خارجی، گستره وسیع‌تری را در بر گرفته و در عین حال پیچیده‌تر نیز شده است. برخی از صاحب‌نظران سیاست‌های خارجی را «مجموعه توانایی‌ها و قابلیت‌ها و سازوکارهای یک واحد سیاسی، جهت افزایش بهره‌وری نرم‌های مورد قبول در ارتباط با واحدهای دیگر» می‌دانند (بخشایش اردستانی، ۱۳۷۵: ۳۵). برخی دیگر سیاست خارجی را تنها شامل آن دسته از روابط می‌دانند که ابتکار آن با حکومت‌ها بوده و از طرف آنان تصدی شده باشد (مقتدر، ۱۳۷۰: ۱۰۴). سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه روابط بین‌الملل و در ارتباط با سایر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی است (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۵).

مفهوم سیاست خارجی در یک کشور، مربوط می‌شود به تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم‌گیری‌هایی که از دیدگاه خاص همان کشور جنبه برون‌مرزی دارد (کاظمی، ۱۳۷۲: ۴۲). بر مبنای تعریف سیاست، سیاست خارجی یعنی فن و هنر (یا علم) شناخت امکانات و بهره‌برداری درست از آن‌ها برای رسیدن به اهداف یک کشور در ارتباط با محیط خارجی (حمیدی‌نیا، ۱۳۸۱: ۵۳۳).

نوع‌ثمنی‌گرایی

تفکری که قائل به نقش جدی برای ترکیه در منطقه غرب آسیا و نظام بین‌الملل است. این تفکر متأثر از تاریخ کشور ترکیه و زمان امپراتوری عثمانی است که از غرب آسیا تا اروپای مرکزی گسترش یافته بود. نوع‌ثمنی‌گرایی تلاشی برای تعدیل کمالیسم در راستای منافع ملی ترکیه است؛ بر اساس تفکر نوع‌ثمنی، ترکیه باید دامنه نفوذ خود را در مناطقی که در گذشته تحت قلمرو امپراتوری عثمانی بوده، گسترش دهد. نوع‌ثمنی‌گرایی

قرار گرفتن بعد ژئوکالچری در کنار ژئوپلیتیک در سیاست‌های خارجی ترکیه است (اسمعیلی، ۱۳۹۰).

سیاست بی‌طرفی

بی‌طرفی بیانگر یک وضعیت حقوقی یک دولت در برابر جنگ بین سایر دولت‌ها است. دولت بی‌طرف باید رفتار واحدی را در برابر طرفین جنگ در پیش گیرد. اصل عدم جانب‌داری در واقع وظیفه اصلی دولت غیر درگیر در جنگ است. تا زمانی که دولت‌های بی‌طرف از شرکت مستقیم یا غیرمستقیم در مخاصمه احتراز کنند یا وظایفی را که حقوق بین‌الملل بر عهده آنان گذاشته رعایت نمایند، می‌توانند از حقوق بی‌طرفی بهره‌مند شوند؛ ولی از سوی دیگر، اگر دولتی که مدعی بی‌طرفی است به وظایف و تعهدات خود عمل نکند، این امر به دولت‌های درگیر حق می‌دهد که علیه آن دولت به اقدامات تلافی‌جویانه متوسل شوند (قوام، ۱۳۸۴: ۶۵).

میانجی‌گری

معنی لغوی واژه «میانجی‌گری» وساطت بین دو یا چند طرف است. از نظر اصطلاحی یکی از شیوه‌های سیاسی - دیپلماتیک حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است که در آن طرف ثالث که اغلب یک کشور، یک سازمان بین‌المللی و یا یک شخصیت معروف بین‌المللی است، به منظور پایان دادن و یا کاهش مناقشه بین دو طرف درگیر اعم از دو کشور یا بین دولت مرکزی با گروه‌های مخالف آن مداخله می‌کند و به‌طور دوستانه موضوعات مورد مذاکره بین آن‌ها را پیشنهاد می‌کند.

بنابراین میانجی‌گری یکی از روش‌های حل اختلاف است که در آن یک شخص ثالث به نام میانجی به طرفین اختلاف در رسیدن به توافق کمک می‌کند. میانجی‌گری ممکن است به توافق طرفین نینجامد و بی‌نتیجه بماند، در صورت موفقیت در دستیابی به توافق نیز مفاد آن اغلب از سوی خود طرفین تعیین شده است (مؤلفان، ۱۳۹۶: ۴۵).

امنیت نظامی

امنیت نظامی ناظر بر قابلیت و توانایی نیروهای مسلح برای حفاظت از ملت، دولت و ارزش‌های اساسی و حیاتی آن‌ها در برابر تهدید و تهاجم نظامی خارجی است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۹). مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در ارتباط با امنیت نظامی می‌فرماید: «امنیت هم انواعی دارد؛ یکی از آن‌ها امنیت نظامی و انتظامی است که شما ملاحظه می‌کنید در بعضی مناطق عالم، از لحاظ نظامی و انتظامی نامنی هست. این، بخشی از مقوله امنیت است» (مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، ۱۳۸۶/۱۰). به هر حال امنیت نظامی جمهوری اسلامی عملاً حول توانایی حکومت جمهوری اسلامی برای حفاظت از خودش در برابر تهدیدهای نظامی داخلی و خارجی متمرکز است.

ب) مبانی نظری

نظریه سازه‌انگاری و سیاست خارجی ترکیه

سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات غرب آسیا به‌ویژه تحولات سوریه را می‌توان با بهره‌گیری از مفروضات نظریه سازه‌انگاری تشریح کرد. سازه‌انگاری، نظریه‌ای جدید است که در حوزه‌های مختلف روابط بین‌الملل کاربرد پیدا نموده است. این نظریه از طریق رهیافت سیاست هویت تلاش می‌کند چگونگی نقش و تأثیر اجتماعات بین‌الذهانی مانند ناسیونالیسم، قومیت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و نژاد در سیاست بین‌الملل و سیاست‌های خارجی را توضیح دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۴۶).

مطابق نظریه سازه‌انگاری، بازیگران مختلف در عرصه بین‌الملل به هنجارهای عمومی مقید و پایبندند. مکتب سازه‌انگاری، رفتار بازیگران را ناشی از برداشت‌های ذهنی و هویت آنان معرفی می‌کند و هرگونه تغییر رفتار بازیگران را با هنجارهای آن بازیگران مربوط می‌کند. در تحلیل سازه‌انگاران از سیاست خارجی، هنجارها متغیرهای مستقلی برای توضیح و تبیین رفتار بازیگران هستند. ساختارهای هنجاری بین‌الذهانی و ایده‌ها از مفروض‌های اصلی سازه‌انگاری است که این مفروض نقش تأیسی در شکل‌دهی هویت و منافع کشورها دارد. طبق نظریه سازه‌انگاری، کشورها بر اساس منطق نتایج رفتار نمی‌کنند، بلکه اقدام آن‌ها مبتنی بر منطق تناسب است (همان، ۵۶).

سیاست خارجی عمل بر ساختن است و بنا به گفته اسمیت، سیاست خارجی آن چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند (Smith, 2001: 39). الکساندر ونت این دیدگاه را نوعی ایده‌آلیسم ساختاری می‌داند و معتقد است ساختارهای اجتماعی محصول انگاره‌های مشترک انسانی است و بعد ساختاری آن به این معنا است که نهادها و قواعد موجود دارای سرشتی عینی و محدودکننده برای بازیگران هستند (ونت، ۱۳۸۴: ۸۰). از نظر سازه‌انگاران نقش هنجارها و هنجاری بودن در سیاست بین‌الملل از آنجا مهم تلقی می‌شود که هنجارها موجب شکل‌گیری هویت می‌شوند. هنجارها به دو روش بر رفتار کارگزاران نیز تأثیر می‌گذارند. در روش اول مانند قواعدی که هویت کارگزاران را تعیین می‌کنند و در روش دوم نقش تنظیم‌کننده در رفتارهای کارگزاران را ایفا می‌کنند؛ به عبارت دیگر هنجارها در رفتار کارگزاران تأثیرات تکوینی و تنظیمی دارند (Guzzini, 2000: 151).

از آنجا که سیاستمداران امروز ترکیه در رفتار خارجی خود در منطقه و از جمله در سوریه اغلب بر تاریخ این کشور و در چهارچوب امپراتوری عثمانی تأکید می‌کنند و در واقع ترکیه به دنبال بازیابی و بازآفرینی نقش امپراتوری عثمانی در منطقه است، نظریه سازه‌انگاری چهارچوب مناسبی برای تحلیل سیاست‌های خارجی ترکیه است. نوع‌عثمانی‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه خاستگاه هویتی و تاریخی داشته و سیاست‌مداران ترکیه با تأکید بر پیشینه تاریخی امپراتوری عثمانی تلاش می‌کنند در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به ایفای نقش بپردازند. نقش‌آفرینی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه به‌طور عمده در همین راستا قرار دارد و ترکیه می‌کوشد با سیاست‌های گوناگون خارجی، تحولات منطقه را مدیریت و جایگاه تاریخی و هویتی خود را احیا نماید.

تاریخچه رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در منطقه غرب آسیا

اصولی که در سیاست‌های خارجی ترکیه از زمان به قدرت رسیدن اردوغان به منصفه ظهور رسیده عبارت‌اند از:

۱. ایجاد تعامل بین آزادی و امنیت به این معنی که هیچ‌کدام از این دو مورد را نمی‌توان به بهانه تأمین دیگری سرکوب کرد.

۲. گسترش رابطه با همسایگان و به صفر رساندن مشکلات با آن‌ها، یعنی تبدیل دشمنان بالقوه همسایه به دوست و متحد.

۳. دیپلماسی پیش‌گیرانه و فعال که هدفش این است که ترکیه را با توجه به جایگاهش در مناطق مختلف به بازیگری فعال تبدیل کند.

۴. داشتن رابطه با قدرت‌های بزرگ به صورت متوازن.

۵. حضور بیشتر و پررنگ‌تر در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای مثل سازمان ملل و ارکان وابسته، ناتو، جی ۲۰ و دی ۸، اکو و سازمان همکاری‌های دریای سیاه (اطهری، ۱۳۹۰).

از اصول اساسی در سیاست‌های خارجی حزب عدالت و توسعه، سیاست کاهش تنش با همسایه‌ها است که برخی آن را واکنشی به مخالفت‌های پی‌ای اتحادیه اروپا برای عضویت ترکیه می‌دانند. این سیاست ترکیه، غرب آسیا و دنیای عرب را در رأس و اولویت سیاست‌های خارجی ترکیه قرار داده است (احمدیان، ۱۳۹۰).

داود اوغلو وزیر امور خارجه و نخست‌وزیر سابق ترکیه که نظریه‌پرداز نوع‌ثمنی‌گرایی محسوب می‌شد، قائل به نقش جدی برای ترکیه در منطقه بود. این تفکر یادآور امپراتوری عثمانی است که شامل بخش‌هایی از غرب آسیا، بالکان و قسمت‌هایی از اروپای مرکزی بود. این تأکید بر میراث عثمانی که نوع‌ثمنی‌گرایی در سیاست‌های خارجی ترکیه نامیده می‌شود، در واقع تلاشی است برای تعدیل کمالیسم در راستای منافع ملی ترکیه، بر این مبنا ترکیه باید دامنه نفوذ خود را در مناطقی که در روزگاری بخشی از امپراتوری عثمانی بوده‌اند، افزایش دهد. نوع‌ثمنی‌گرایی را می‌توان قرار گرفتن بُعد ژئوکالچری در کنار ژئوپلیتیک در سیاست‌های خارجی ترکیه دانست (اسمعیلی، ۱۳۹۰).

نگاه غرورآمیز سیاست‌مداران ترکیه به گذشته عثمانی، ایفای نقش این کشور در عرصه بین‌المللی را پیچیده و چندبعدی کرده است (وفایی، ۱۳۹۰: ۲۹)

«داوود اوغلو» وزیر خارجه و نخست‌وزیر سابق در جمع دیپلمات‌های ترکیه‌ای اعلام کرد که ترکیه در سال ۲۰۲۳ م یعنی در یک‌صدمین سال ترکیه جدید باید به یکی از ۱۰ قدرت برتر دنیا تبدیل شود. ترکیه در حال حاضر پنجمین اقتصاد اروپا و شانزدهمین اقتصاد جهان است (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۶۰-۲۵۹).

اردوغان نخست‌وزیر ترکیه مصمم است تا پرستیژ این کشور را در غرب آسیا بالا ببرد و ترکیه را به‌عنوان یک مدعی در کنار بازیگران سنتی منطقه چون ایران و عربستان مطرح کند؛ اردوغان می‌خواهد از اوضاع به‌هم‌ریخته غرب آسیا نهایت استفاده را ببرد (Spanner, 2011: 1). حزب عدالت و توسعه درصدد است ترکیه را از یک کشور حاشیه‌ای در نظام بین‌الملل به بازیگری مصمم و مؤثر مانند دوران عثمانی تبدیل کند؛ زمانی که این امپراتوری در اوج قدرت بود، ترکیه با ایجاد و ائتلاف با اعراب و ترک‌های آسیای مرکزی به دنبال ایفای نقش فعال‌تر و بزرگ‌تری در حوزه‌های سابق امپراتوری عثمانی است (واکر، ۱۳۹۰: ۳۵). در مجموع باید گفت که سیاست خارجی ترکیه چندین دهه وابستگی شدیدی به غرب داشت و در فضای راهبردی غرب تعریف می‌شد. این کشور عملاً هیچ‌گونه ابتکار عملی در حوزه شرقی و به‌ویژه منطقه غرب آسیا نداشت؛ تا جایی که هویت منطقه‌ای ترکیه با چالشی اساسی مواجه شده بود. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی این کشور از سیاستی غرب‌گرا و تک‌بعدی، به سیاستی چندجانبه‌گرا و چندبعدی تبدیل شد (Taspinar, 2008: 2).

اگر سیاست‌های خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه را به سه مرحله تقسیم کنیم، می‌توان گفت از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ م دوره سامان اقتصادی و سیاسی درون ترکیه بود و سیاست خارجی هم بر این مبنای شکل گرفت. از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ م سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان دنبال شد؛ ولی از ۲۰۱۱ م به بعد ترک‌ها تداوم سیاست دوره دوم را به مدت طولانی کافی ندانستند و در مرحله سوم، ورود به منازعات منطقه‌ای و تلاش برای مدیریت آن را در کانون توجه سیاست خارجی خود قرار دادند که دخالت در سوریه و عراق از ویژگی‌های این دوره است (رنجبر ۱۳۹۵: ۱۰۸).

رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشرگی در سوریه

ترکیه برای سال‌های متمادی روابط شکننده و غیر قابل اطمینانی با سوریه داشته است. این کشور از قدیم با سوریه بر سر سه موضوع اختلاف داشته است: ۱- مسئله استان اسکندرون یا هاتای ترکیه که سوریه آن را بخشی از خاک خود می‌داند. استان اسکندرون سوریه در سال ۱۹۳۹ م توسط استعمارگران فرانسوی از این کشور جدا شد و در اختیار

دولت وقت ترکیه قرار گرفت، اما سوریه همچنان این استان را بخشی از خاک خود می‌داند. ۲- مسئله آب فرات و سدهایی که ترکیه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بر روی آن زده است. ۳- پناه دادن سوریه به حزب کارگران کردستان و پایگاه نظامی در اختیار آن‌ها قرار دادن، ترکیه همواره سوریه را به دلیل حمایت از حزب کارگران کردستان تهدید به قطع آب فرات می‌کرد (وفایی ۱۳۹۰: ۲۶). ترکیه بارها در حین بحران سوریه، مواضع متناقضی را در پیش گرفته و بارها موضعش را نسبت به رفتن و ماندن اسد همسو با اعراب و غرب تغییر داده است. در ادامه ضمن بررسی سیاست بی‌طرفی و میانجی‌گری و حمایت از گروه‌های تارشگری در سوریه، آثار و نتایج این سیاست بر امنیت نظامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. رویکرد بی‌طرفی ترکیه در بحران سوریه

همچنان که اشاره شد، برخی از اصولی که در سیاست‌های خارجی ترکیه از زمان به قدرت رسیدن اردوغان به منصفه ظهور رسیده، عبارت‌اند از گسترش رابطه با همسایگان و به صفر رساندن مشکلات با آن‌ها، یعنی تبدیل دشمنان بالقوه همسایه به دوست و متحد، دیپلماسی پیش‌گیرانه و فعال که هدفش این است که ترکیه را با توجه به جایگاهش در مناطق مختلف به بازیگری فعال تبدیل کند و حضور بیشتر و پررنگ‌تر در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای. از این رو یکی از وجوه بارز سیاست‌های خارجی حزب عدالت و توسعه، سیاست کاهش تنش با همسایه‌ها است (احمدیان، ۱۳۹۰)، در این راستا موضوع نوعثمانی‌گرایی مطرح شده که دارای مؤلفه‌های زیر است:

۱. ایفای نقش ترکیه متناسب با تاریخ فرهنگ و جغرافیای این کشور در عرصه بین‌الملل و افزایش سرمایه‌گذاری ترکیه در حوزه قدرت نرم.

۲. مطرح کردن نهادهای ترکیه به‌عنوان الگو برای منطقه، ایفای نقش فعال‌تر در بحران‌های منطقه و بین‌المللی برای ترکیه، افزایش همکاری با کشورهای منطقه برای کاهش دخالت خارجی و اینکه ترکیه باید تلاش‌هایش را به جای عضویت در اتحادیه اروپا بر روی کشورهای سابق حوزه عثمانی جایگزین کند و برای رسیدن به این اهداف باید

سیاست کاهش تنش با همسایگان را عملیاتی کند و به جهان اسلام به اندازه غرب اهمیت بدهد (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

در این راستا، روابط ترکیه با سوریه از سال ۱۳۹۲ رو به بهبود گذاشت و تنش‌ها بر سر فرات و ادعاهای ترکیه مبنی بر حمایت سوریه از پ.ک.ک نیز کاهش یافت. در این سال دو کشور قرارداد امنیتی امضاء کردند و سوریه اعلام کرد که به مخالفان کرد دولت ترکیه اجازه فعالیت در این کشور را نمی‌دهد. شرکت وزرای خارجه دو کشور در اجلاس وزرای خارجه سه کشور ایران، ترکیه و سوریه در سال ۱۳۹۳ نیز نشانی از بهبود روابط بین دو کشور بود (انصاری، ۱۳۷۴: ۳۶۷). البته اولتیماتوم ترکیه در خصوص پناهندگی دادن سوریه به عبدالله اوچالان رهبر کردهای ترکیه و ضعف نظامی سوریه در مقابل ترکیه در بهبود تدریجی روابط بی‌تأثیر نبود (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۲۰۶).

در ژانویه سال ۲۰۰۵ م، بشار اسد به ترکیه سفر کرد که اولین سفر از زمان استقلال سوریه بود. این سفر جای هیچ تردیدی باقی نگذاشت که روابط کشور از تنش به همکاری رسیده است؛ البته در این برهه سوریه سعی می‌کرد با نزدیکی به ترکیه از میزان فشارهای آمریکا نسبت به خود بکاهد (همان). وزرای خارجه ترکیه بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ م (حزب عدالت و توسعه) بیش از ۶۰ بار از سوریه دیدن کردند و تجارت بین دو کشور از ۷۷۳ میلیون دلار به ۲/۵ میلیارد دلار رسید. دو کشور همچنین در سال ۲۰۰۹ م مانور نظامی مشترک برگزار کردند (Stuart, 2011: 15). با رسیدن ناآرامی‌ها به برخی از مناطق سوریه، واکنش اولیه ترکیه سکوت بود. این سکوت ترکیه تا آگوست ۲۰۱۱ م ادامه داشت. از این تاریخ به بعد ترکیه گفت‌وگو و فشار را به صورت هم‌زمان با اسد دنبال کرد و سعی کرد که سوریه را به اصلاحات ترغیب کند. در این زمان غربی‌ها خواستار کناره‌گیری فوری اسد بودند (Ibid: 2-3).

با توجه به اتخاذ سیاست سکوت از جانب ترکیه در بحران سوریه و عدم موضع‌گیری در قبال تحولات این کشور، می‌توان سیاست کلی ترکیه در قبال بحران سوریه را در ابتدا سیاست بی‌طرفی دانست. در واقع ترکیه در قبال فعالیت‌های گروه‌های تارشگری در سوریه هیچ اقدامی که به نفع یا زیان آنان باشد انجام نداد؛ اما این سیاست دوام چندانی نداشت و

به موازات تشدید روند تحولات در سوریه و موضع‌گیری کشورهای مختلف در قبال این بحران و ورود بازیگران مختلف به صحنه سوریه، سیاست بی‌طرفی ترکیه نیز دچار تغییر شد.

۲. رویکرد میانجی‌گری ترکیه در قبال بحران سوریه

به دنبال بروز گسترش فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در سوریه که ترکیه نتوانست در قبال تحولات همسایه خود بی‌تفاوت باشد، زیرا از یک طرف این تحولات با نوع‌ثمنی‌گرایی جدید رهبران ترک در تعارض بود و از طرفی مسئله سوریه می‌توانست چالش‌هایی در برابر منافع ملی ترکیه از نظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایجاد کند. یکی از اهداف منطقه‌ای اصلی ترکیه در چهارچوب نوع‌ثمنی‌گرایی در به حداقل رساندن مشکلات در روابط با همسایگان به‌منظور گسترش مناسبات به‌ویژه در حوزه اقتصادی و عهده‌دار شدن بازیگر تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای بود، بنابراین ناآرامی‌های سوریه در تعارض با این سیاست ترکیه قرار داشت.

علت تردیدهای اولیه ترکیه در مورد اسد را می‌توان در این دانست که دولت اسد یکی از پایه‌های عملی کردن سیاست صفر کردن مشکلات با همسایگان بود و یکی از پایه‌های همگرایی منطقه‌ای ترکیه بود و اسد و اردوغان دوستان نزدیکی محسوب می‌شدند (Champion, 2011).

ترکیه به تدریج در مورد سوریه نیز مثل لیبی تغییر موضع داد و از واکنش اولیه‌اش در مخالفت با تحریم‌ها علیه دولت اسد اظهار پشیمانی کرد و گفت‌وگو با گروه‌های مخالف به‌ویژه اخوان المسلمین سوریه را در صدر برنامه‌هایش قرار داد. حزب عدالت و توسعه سعی می‌کرد که رهبری حرکت ضد اسد در سوریه به دست اخوان المسلمین بیافتد، چراکه این گروه دارای دیدگاه‌های نزدیک با حزب عدالت و توسعه است (Stuart, 2001: 3). ترکیه یک‌بار دیگر در درگیری بین حافظ اسد و مخالفانش در شهر حما جانب مخالفان رژیم سوریه را گرفته بود، البته این حرکت در اوج تنش‌ها بین دو کشور صورت گرفته بود (وفایی ۱۳۹۰: ۲۶).

ترکیه اوایل فعالیت گروه‌های تروریستی در سوریه محتاطانه می‌خواست که با اصلاحات در سوریه مانع حذف اسد شود، زیرا بی‌ثباتی در سوریه کل منطقه و به‌ویژه کردهای ترکیه را متأثر خواهد کرد (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۵۱). ترکیه در عین حمایت از مخالفان اسد بر گفت‌وگو بین طرفین تأکید می‌کرد و از افسران جداشده از ارتش سوریه می‌خواست که به دولت اسد برگردند (Stuart 2011: 3). ولی به مرور ترکیه تحریم‌ها را علیه سوریه وضع کرد و چتر حمایتی خود را از شورای ملی که در استانبول با اجازه رسمی دولت ترکیه فعالیت می‌کرد گسترش داد (Spanner 2011: 31).

احمد داوود اوغلو وزیر خارجه و نخست‌وزیر سابق ترکیه، بشار اسد را متهم به دروغ‌گویی به جامعه جهانی کرد و از او خواست که فرصت‌ها را برای گفت‌وگو با مخالفان از دست ندهد و سخت‌گیری علیه مخالفان را کنار بگذارد، اوغلو یک دیدار شش‌ساعته با مخالفان اسد داشت و اعلام کرد که اسد باید با اصلاحات در قانون اساسی از حزب بعث تقدس‌زدایی کند. در غیر این صورت وی آخرین فرصت‌ها را نیز از دست می‌دهد. این حرکات ترکیه و تحریک مخالفان اسد، این تفکر را ایجاد کرد که ترکیه در سوریه به دنبال احیای عثمانی‌گرایی است. اخوان المسلمین سوریه در آن برهه (سال ۲۰۱۱ م) اعلام کرد که ترکیه باید در سوریه مداخله نظامی کند. این خواسته اخوان با مستقر شدن ارتش ترکیه در مرز سوریه، جنبه عملی به خود گرفت (bbcPersian.com 2011/9/26).

۳. حمایت ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه

ترکیه به تدریج سیاست کاهش تنش در مورد سوریه را کنار گذاشت. با ادامه درگیری‌ها در سوریه، آنکارا به حمایت علنی از مخالفان دولت دمشق پرداخت. در نوامبر ۲۰۱۱ م اردوغان نخستین رهبر سیاسی بود که از اسد درخواست کناره‌گیری از قدرت را نمود. همچنین به شورای ملی سوریه اجازه داد تا در استانبول مستقر شوند. ارتش آزاد سوریه و دیگر گروه‌های مسلح مخالف اسد از قلمروی ترکیه برای عملیات‌های خود استفاده نموده و بر اساس مدارک موجود، کمک‌های نظامی ترکیه را دریافت کردند. در اوایل سال ۲۰۱۴ م ترکیه میزبان بیش از ۶۰۰ هزار پناهنده سوری بود (Gause, 2014,20). البته مقامات ایرانی

از همان اوایل شکل‌گیری اردوگاه‌های آوارگان در مرز ترکیه و سوریه را تردیدآمیز دانسته و آن را پوششی برای حمایت از مخالفان و قاچاق اسلحه برای معترضان در سوریه تلقی کردند (Mahfudh, 2012:39).

با اینکه سوریه دارای اهمیت اساسی برای این کشور بود ولی برخورد ترکیه با دولت اسد حتی شدیدتر از سایر کشورها بود. ترکیه در سال‌های بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه با افزایش مبادلات با دولت سوریه طی یک دهه توانسته بود به واسطه همگرایی اقتصادی، شرایط صلح بین دو کشور را فراهم کند (Barkey, 2011: 3).

حامد حسن سفیر سوریه در تهران موضع‌گیری ترکیه علیه کشورش را کاملاً غافلگیرانه دانست و افزود که ترکیه از فاز به صفر کردن تنش‌ها با همسایگان به فاز ایجاد مشکل با کشورهای همسایه تغییر موضع داده است. او ترکیه را عامل اصلی تأمین اسلحه قاچاق برای مخالفان دولت اسد معرفی کرد. وی معتقد بود موضع ترکیه در قبال سوریه به عضویت این کشور در اتحادیه اروپا و معرفی خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای به این اتحادیه ارتباط دارد. ترکیه در این راستا تلاش نمود جایگزین بازیگران سنتی منطقه مثل ایران، عربستان، مصر و عراق شود که هرکدام مشکلات خود را دارند (همشهری دیپلماتیک، ۱۳۹۰: ۴۳).

به لحاظ مواضع اعمالی، مهم‌ترین اقدام دولت ترکیه، میزبانی سه نشست گروه‌های مخالف دولت بشار اسد بوده است. این اقدام نشانه آشکاری از سیاست غیر دوستانه دولت ترکیه نسبت به همسایه خود بود. دولت ترکیه در آن برهه زمانی در عین اتخاذ مواضع انتقادی نسبت به دولت سوریه، تماس‌ها با این دولت را کماکان در دستور کار قرار می‌داد. اردوغان و بشار اسد روزانه با یکدیگر در تماس تلفنی بوده و احمد داود اوغلو نیز با ولید المعلم همتای سوری خود ارتباط تلفنی داشته‌اند (Duman, 2011).

دولت رجب طیب اردوغان به تدریج رویکرد تندی را نسبت به تحولات داخلی سوریه در پیش گرفت و در واقع می‌توان گفت در مقایسه با تحولات انقلابی سایر کشورهای عربی، دولت ترکیه دشمنی صریح خود را با دولت بشار اسد اعلام کرد و از گروه‌های تارشگری حمایت به عمل آورد.

حمایت ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه با شیوه‌ها و روش‌های زیر صورت گرفته است:

۱. فروش نفت خام از طریق شهرهای باتمان و غازی عنتب واقع در منطقه جنوب شرقی ترکیه و شمال شرق سوریه که درآمدی بالغ بر یک میلیون دلار در روز برای گروه‌های تارشگری ایجاد کرد.

۲. فروش آثار باستانی سوریه از طریق خاک ترکیه که تاکنون هفت میلیارد دلار درآمد ایجاد کرد.

۳. فروش اعضای بدن تروریست‌های کشته‌شده، مردم و مخالفان به تجار اروپایی از طریق ترکیه.

۴. انجام معاملات سنگین در مقابل آزادی گروگان‌ها و اسیران در خاک ترکیه.

۵. فروش زنان غیر مسلمان در این کشور.

۶. مرکزیت فروش کتب خطی و قدیمی به سرقت‌رفته از سوریه و عراق.

۷. فروش اطلاعات به دست‌آمده از سوریه و عراق به سرویس‌های اطلاعاتی در این کشور.

۸. کمک مالی و لجستیکی به داعش توسط سرویس اطلاعاتی ترکیه در زمان اشغال کوبانی.

۹. کمک توسط مؤسسات به ظاهر غیردولتی و خیریه وابسته به حزب عدالت و توسعه ترکیه که شاخص بوده و نکته حائز اهمیت این است که انبارها و دفاتر این مؤسسه در استان هاتای ترکیه بدون پنهان‌کاری فعالیت می‌کردند.

۱۰. کسب درآمد سالانه حدود یک میلیارد دلار توسط گروه تارشگری داعش از ترانزیت هروئین طبق اعلام «ویکتور ایوانف» رئیس سازمان کنترل مواد مخدر فدرال روسیه (کایا، ۱۳۹۴).

تأثیر رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه بر امنیت نظامی ایران

سیاست بی‌طرفی و میانجی‌گری در مدت‌زمان کوتاهی در دستور کار ترکیه در قبال بحران سوریه قرار داشت؛ این سیاست‌ها به دلیل کوتاه بودن نتوانستند تأثیری در سوریه و

منطقه غرب آسیا از جمله امنیت نظامی بگذارند؛ اما سیاست حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه بیشترین آثار را بر منطقه و امنیت نظامی ایران گذاشته است که در زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تغییر موازنه قوای منطقه‌ای به زیان ایران:

مهم‌ترین تأثیر بحران سوریه و تداوم آن به واسطه حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تارشگری بر امنیت نظامی ایران، افزایش تهدیداتی است که در محیط امنیتی منطقه شکل گرفته است. سوریه به‌عنوان تنها متحد راهبردی ایران، نقش مهمی برای برقراری موازنه قوای منطقه‌ای بازی نموده است. در واقع این کشور نقطه اتکایی برای اثرگذاری سیاست‌های خارجی و امنیتی ایران در منطقه بوده است. هرگونه تغییر یا تضعیف دولت در سوریه باعث برهم خوردن توازن امنیتی به زیان ایران خواهد شد، چراکه روند تغییر در ساختار قدرت سوریه باعث تغییر در صف‌بندی میان کشورها می‌شود و این صف‌بندی و آرایش جدید بازیگران منطقه باعث حضور فراگیر بازیگران فرامنطقه‌ای شده و در نتیجه تبعات بین‌المللی به همراه خواهد داشت (سیمر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

با آمدن مخالفین در قدرت در سوریه، حکومت جدید سوریه حمایت خود از ایران را قطع خواهد نمود. مقامات آمریکایی نیز با آگاهی از این موضوع به دنبال تغییر رژیم در سوریه بوده‌اند. در صورت تحقق این وضعیت، موازنه قوای منطقه‌ای ایران علیه آمریکا و متحدینش در منطقه به زیان ایران تغییر خواهد کرد (نباکوئی، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

اما بازیگران رقیب ایران در منطقه غرب آسیا نیز به دنبال دستیابی به اهداف مورد نظر خود بوده‌اند. به همین دلیل جنگ نیابتی شامل بازیگران منطقه‌ای در سوریه به وجود آمد. ترکیه، عربستان سعودی و دیگر دولت‌های عربی خلیج فارس تلاش کردند تا نفوذ منطقه‌ای ایران را در منطقه از طریق حمایت مالی و پشتیبانی از مخالفان سوری کاهش دهند. از این رو ایران وضعیت شکل گرفته در سوریه را به‌عنوان بازی با حاصل جمع جبری صفر تلقی کرد و بیمناک از این موضوع بود که سقوط اسد زمینه را برای ظهور رژیم جدید و نظم منطقه‌ای نامطلوب برای ایران آماده کرد. در واقع ایران به این مسئله پی برد که نه تنها

یک متحد عربی بااهمیت را از دست خواهد داد، بلکه توانایی این کشور در حمایت از حزب‌الله و نفوذ این کشور در لبنان و موضوع منازعه اعراب-رژیم صهیونیستی نیز محدود خواهد شد (Goodarzi, 2013:27)؛ بنابراین سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه تغییردهنده موازنه قوای منطقه‌ای است که به زبان امنیت نظامی ایران است.

۲. ظهور و تقویت گروه‌های تارشگری ضد ایران در منطقه غرب آسیا

ظهور و قدرت‌گیری گروه‌های شبه‌دولتی سنی در عراق و سوریه از دیگر عوامل تهدیدزایی است که تأثیری مستقیم بر امنیت نظامی ایران دارد. بی‌شک زمانی که دولتی ضعیف می‌شود، بازیگران غیردولتی تلاش می‌کنند تا نقش عمده‌تری را در سیاست داخلی آن کشور بر عهده بگیرند. این پدیده‌ای است که اکنون در فضای غرب آسیا و به‌ویژه در سوریه شکل گرفته است. این گروه‌ها اغلب متحدان دولت‌های منطقه به‌ویژه عربستان و قطر هستند که به دنبال گسترش نفوذ خود می‌باشند؛ اما در عین حال هر یک برنامه‌ها و اهداف ویژه خود را دارند (Gause, 2014: 19). در این میان داعش و جبهه النصره تهدیدات فزاینده‌ای را در سطح منطقه‌ای برای ایران به بار آورده‌اند (Lister, 2014:۶). ایران به تضمین امنیت متحدان خود در عراق، سوریه و لبنان در برابر تهدیدات آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان نیازمند است؛ در واقع دسترسی ایران به سوریه که به‌واسطه حضور گروه‌های تارشگری در این کشور تضعیف شده، می‌تواند منجر به قطع مجاری ارتباط ایران با حزب‌الله به‌عنوان متحد ایران در برابر رژیم صهیونیستی شود.

۳. افزایش تهدیدات قومیتی در ایران

حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه زمینه گسترش فعالیت‌های تجزیه‌طلبی در سوریه، عراق و سایر مناطق را تقویت کرده است. افزایش فعالیت گروه‌های جدایی‌طلب در سوریه اقلیت‌های قومی در منطقه از جمله در ایران را تشویق به مطالبات بیشتر برای خودمختاری کرده است. اعلام استقلال منطقه کردستان عراق در پی فراندوم

سوم مهرماه سال ۱۳۹۶ در همین راستا قرار دارد. به علاوه از منظر فرقه‌گرایانه، تشدید مداوم خشونت توسط داعش و النصره در عراق و سوریه نشانه خوبی برای ایران و متحدان شیعی این کشور در منطقه‌ای که اعراب سنی در آن اکثریت هستند، نیست (Geranmayeh, 2014: 30).

۴. افزایش فرقه‌گرایی در منطقه غرب آسیا

فهم الگوی جدید توازن قدرت منطقه‌ای نیازمند بررسی چهارچوب‌های فرقه‌گرایانه است. در واقع مناقشه کنونی در سوریه و عراق بر پایه پیکار سنی علیه شیعه استوار است. خروجی رسانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی سنی و روزنامه‌ها و تلویزیون‌های وابسته به فرقه‌گرایان، این منازعه را برجسته می‌سازد. خیلی ساده می‌توان اقدامات برخی از کشورها در منطقه را فرقه‌گرایانه تحلیل کرد (Gause, 2014, 19).

رویکرد فرقه‌گرایانه بازیگران منطقه‌ای در سوریه به مراتب بیشتر از کشورهای دیگر بوده است. ترکیه با حمایت از گروه‌های تارشگری در سوریه تلاش کرد تا موقعیت خود در این کشور و منطقه را بهبود بخشد. به این ترتیب این کشور حمایت‌های مالی و لجستیکی خود از گروه‌های سلفی را تا آنجا ادامه داد که فرقه‌گرایی و زکینه‌های اختلافات بین شیعه و سنی تشدید شد.

بسیاری از گروه‌های تارشگری در سوریه که مورد حمایت ترکیه بوده‌اند با تبلیغ علیه ایران و مذهب شیعه دست به خشونت‌های گسترده‌ای علیه شیعیان زدند و از آنجا که دولت قانونی سوریه مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار داشته، جنگ تروریست‌ها با دولت سوریه به عنوان جنگ شیعه و سنی نشان داده شد.

به طور کلی می‌توان گفت که حمایت ترکیه از گروه‌های سلفی در سوریه، فرقه‌گرایی را تشدید کرده و منجر به افزایش اختلافات شیعه و سنی در منطقه شده است و با توجه به سنی بودن بخشی از جمعیت ایران، این موضوع تهدیدی علیه امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران محسوب شود.

۵. افزایش تهدیدات مرزی

به دلیل پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای که داعش در عراق در ژوئن ۲۰۱۴ م داشت، در میان افکار عمومی منطقه این برداشت ذهنی شکل گرفت که این گروه به‌زودی وارد سایر کشورهای منطقه خواهد شد (Esfandiary&Tabatai, 2015:6). جهت حرکت گروه تروریستی داعش که سرزمین‌هایی از سوریه تا عراق را به تصرف درآورده بود. پس از اشغال موصل در خرداد سال ۱۳۹۳، به سمت ایران بود و بدون تردید اگر با این گروه تروریستی در خارج از مرزهای ایران مقابله نمی‌شد، تعرضات به مرز ایران و ایجاد تهدیدات نظامی تشدید می‌شد.

۶. تضعیف محور مقاومت در منطقه

بعد از حملات آمریکا به افغانستان و عراق و در نتیجه نزدیکی بیشتر کشورهای همسو با سیاست‌های ایران در منطقه، محور مقاومت به الگویی غالب در سیاست‌های خارجی ایران بدل گشت. این محور در سال‌های اخیر با سیاست‌های ایران در منطقه به‌ویژه پس از حمایت ایران از جنگ‌های ۲۲ و ۳۳ روزه و عدم نتیجه‌گیری رژیم صهیونیستی از این حملات پررنگ‌تر شد و در نتیجه به محبوبیت ایران در میان افکار عمومی سوریه و لبنان افزود. کارشناسان از این مسئله به‌عنوان «تلنگر» به آمریکا یاد کرده‌اند (ابوالحسن شیرازی و پارسه، ۱۳۹۳:۹۲). در واقع الگوی مقاومت در سال‌های اخیر به یکی از بنیادهای سیاست‌های خارجی ایران در عرصه عملیاتی تبدیل شده که تضعیف آن می‌تواند تهدیدی برای امنیت نظامی ایران باشد. از سوی دیگر می‌توان شاهد نزدیکی دیدگاه ترکیه و عربستان با رژیم صهیونیستی در تضعیف محور مقاومت بعد از بحران سوریه بود. این بازیگران معتقدند که رهبران سوریه که در خط مقدم نبرد با رژیم صهیونیستی قرار دارند، زمینه تداوم مقاومت در محیط منطقه‌ای را فراهم می‌آورند. از این رو است که این بازیگران بر این امر واقفند که اگر بشار اسد در قدرت باقی بماند، از انگیزه فراوانی برای مقابله با توسعه‌طلبی تل‌آویو در محیط امنیتی غرب آسیا برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر مقامات رژیم صهیونیستی نیز معتقدند که بازسازی قدرت سیاسی اسد، مواضع وی در ارتباط با رویارویی تاریخی با

تل‌آویو را تحکیم خواهد بخشید؛ بنابراین از سازوکارهایی بهره گرفتند که موقعیت بشار اسد در شرایط منازعه را محدودتر کرده و مانع تحقق اهداف راهبردی اسد در گسترش جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا شوند (متقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۹). در مجموع از آنجا که سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه زمینه تضعیف دولت سوریه را فراهم نموده و این دولت نقش مهمی در محور مقاومت دارد، بنابراین تضعیف دولت سوریه به منزله تضعیف محور مقاومت و بروز تهدیدات از جمله تهدیدات نظامی علیه ایران است.

۷. شکل‌گیری الگوی منازعه به جای همکاری در منطقه

یکی دیگر از تأثیرات تداوم بحران سوریه در سطح منطقه‌ای که متأثر از سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه است، افزایش منازعات میان بازیگرانی است که در سال‌های نه‌چندان دور تنش‌زدایی را به‌عنوان الگوی مسلط سیاست‌های خارجی خود با همسایگان برگزیده بودند. در این میان روابط ایران و عربستان در سال‌های اخیر در سطح منطقه‌ای و به‌ویژه در سوریه به‌واسطه خصومت همراه با رقابت برای کسب منافع سیاسی و ژئوپلیتیکی با هدف دستیابی به هژمونی منطقه‌ای تنش‌زا شده است. در واقع به دلیل تصور ریاض از تلاش ایران برای تثبیت نفوذ منطقه‌ای خود، تغییر جهت در سیاست‌های خارجی این کشور و تلاش برای افزایش هم‌پیمانان عربی جدید به‌عنوان عامل توازن بالقوه در برابر تهدیدات فزاینده ایران، امری مشهود به نظر می‌رسد (Berti&Guzansky, 2014:25).

ترکیه نیز به‌عنوان یکی دیگر از قدرت‌های منطقه‌ای دارای منافع حیاتی در بحران سوریه است.

به‌طور کلی سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه موجب شکل‌گیری الگوی منازعه در منطقه غرب آسیا شده است و این الگو با نظامی و امنیتی ساختن فضای روابط بین کشورهای منطقه تهدیداتی را متوجه جمهوری اسلامی ایران می‌کند و با توجه به ماهیت رفتار بازیگران و منازعه‌آمیز بودن الگوی حاکم، امنیت ملی ایران با تهدید مواجه می‌شود.

۸ افزایش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه غرب آسیا

در مجموع، ناامنی در منطقه به واسطه رشد تارشگری که برآیند حمایت و پشتیبانی مالی، تجهیزاتی و آموزشی ترکیه و سایر بازیگران در منطقه است، زمینه‌ساز پیچیدگی بحران و ورود هرچه بیشتر کشورهای فرامنطقه‌ای به منطقه شده است؛ مسئله‌ای که در بلندمدت توان به خطر انداختن امنیت ارضی و منافع ملی تمام کشورهای منطقه را به دنبال خواهد داشت.

سیاست‌های خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه و حکایت و پشتیبانی از گروه‌های تارشگری موجب تعدد و تکثر بازیگران صحنه سوریه شده است. به موازات افزایش تعداد بازیگران و نقش‌های متفاوتی که این بازیگران در سوریه ایفا نموده‌اند، مسئله سوریه پیچیده‌تر شده و از رسیدن به راه‌حل دور شده است؛ در این میان سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری که هم‌راستا با سیاست برخی دیگر از بازیگران فرامنطقه‌ای نبوده، سبب شده تا آن بازیگران برای پیگیری اهداف خود در منطقه حضور پیدا نمایند یا حضور خود را تقویت کنند.

ورود ترکیه به شمال سوریه و حمایت از گروه‌های ضد دولت سوریه و اقدام علیه کردها در آن منطقه، اوضاع سوریه را پیچیده‌تر نموده و زمینه حضور آمریکا در منطقه شرق فرات را فراهم آورده است. نیروهای آمریکایی که در این منطقه مستقر شده‌اند و با حمایت از اکراد مانعی برای پیشبرد سیاست ترکیه هستند، به‌عنوان یک عامل تهدیدکننده منطقه و از جمله امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز محسوب می‌شوند؛ بنابراین سیاست ترکیه در سوریه و حمایت از گروه‌های تارشگری در این کشور زمینه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا را فراهم نموده که این موضوع امنیت نظامی ایران را با تهدید مواجه ساخته است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بنابر اسناد و مدارک گردآوری‌شده، با روی کار آمدن اردوغان و حزبش، ترکیه با پیگیری سیاست‌های خارجی عمق راهبردی که به نوعمانی‌گرایی معروف شد، سعی در ورود به مسائل منطقه غرب آسیا داشت و قصد داشت خود را به‌عنوان بازیگری مطرح در

کنار ایران و عربستان نشان دهد. ترکیه با این سیاست که از اصول عمده سیاست صفر کردن تنش با همسایگان است، روابطش را با سوریه که بر سر سه موضوع کردها، اختلاف ارضی بر سر هاتای یا اسکندرون و نیز حق آبه از فرات بود، کنار گذاشت و به تدریج روابطش با سوریه قبل از ۲۰۱۱ م را تا حد روابط راهبردی پیش برد، به طوری که بیشترین دیدارها از سوی اردوغان از دمشق صورت گرفت.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ترکیه در جریان بیداری اسلامی سعی در نشان دادن تصویری مردم‌سالار با یک نظام حکومتی و اقتصادی مناسب برای جهان اسلام از خود داشت، به همین دلیل با آغاز ناآرامی‌های سوریه، واکنش اولیه ترکیه سکوت بود. این سکوت ترکیه تا آگوست ۲۰۱۱ م ادامه داشته است.

با توجه به اتخاذ سیاست سکوت از جانب ترکیه در بحران سوریه و عدم موضع‌گیری در قبال تحولات این کشور، می‌توان سیاست ترکیه در قبال بحران سوریه در ابتدای این بحران را سیاست بی‌طرفی دانست. سفر مقامات دو کشور ترکیه و سوریه و عدم دخالت ترکیه در امور سوریه، تأییدکننده این موضوع است که سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه در ابتدای بحران سوریه در قالب سیاست بی‌طرفی بوده و شامل تمرکز بر نوع‌ثمنی‌گرایی، صفر کردن تنش‌ها با همسایگان توسعه و روابط اقتصادی بوده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ترکیه کشوری است که سیاست‌های خارجی‌اش به شدت متأثر از موقعیت جغرافیایی، تاریخی و ژئوپلیتیک این کشور است. این موقعیت‌ها موجب دخالت ترکیه در تحولات پیرامونی شده است. در بحران سوریه نیز ترکیه پس از اتخاذ یک دوره سیاست بی‌طرفی، ورود پیدا نموده و سیاست میانجی‌گری را اتخاذ نموده است. این سیاست با دیپلماسی چندجانبه در برگزاری اجلاس‌های مختلف در ترکیه با حضور گروه‌های مخالف دولت سوریه شکل گرفته است. در این راستا ایفای نقش فعال‌تر در بحران سوریه، افزایش همکاری با کشورهای منطقه برای نقش‌آفرینی در سوریه در قالب سیاست میانجی‌گری ترکیه در بحران سوریه بروز و ظهور نموده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سیاست میانجی‌گری ترکیه در بحران سوریه به‌صورت دیپلماسی چندجانبه، ارائه الگوی نظام حکومتی مطلوب جهان اسلام و کاربرد قدرت نرم بوده است.

با ادامه بحران سوریه، سیاست ترکیه در قبال این بحران به‌سوی حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تاراشگری تغییر نموده است. ترکیه به‌صورت آشکار و پنهان از گروه‌های تاراشگری در سوریه حمایت کرده است. ترکیه چندین اجلاس گروه‌های مختلف مخالف دولت قانونی بشار اسد را تحت عنوان دوستان سوریه برگزار نموده و تلاش کرده اقدامات این گروه‌ها علیه سوریه را هماهنگ نماید.

ترکیه از ارتش آزاد و گروه‌های تکفیری در سوریه حمایت و پشتیبانی نموده است که هردو به‌صورت مسلحانه در سوریه دست به اعمال تاراشگری زده‌اند. ترکیه تا مدت‌ها پس از آغاز بحران سوریه، گروه‌هایی مانند داعش را گروه‌های تاراشگری نمی‌دانست و از لفظ تاراشگری برای آن‌ها استفاده نمی‌کرد.

سیاست حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تاراشگری در سوریه شامل اقدامات گوناگونی شده که برخی از این اقدامات عبارت‌اند از: روش نفت خام از طریق شهرهای باتمان و غازی عنتب واقع در منطقه جنوب شرقی ترکیه، فروش آثار باستانی سوریه از طریق خاک ترکیه، فروش اعضای بدن کشته‌شدگان تاراشگران، معاملات با تاراشگران در قبال آزادی گروگان‌ها و اسیران، فروش اطلاعات به‌دست‌آمده از سوریه و عراق به گروه‌های تاراشگری و کمک مالی و لجستیکی به داعش.

تجزیه و تحلیل پرسشنامه

در ادامه به بررسی پاسخ‌های داده‌شده از سوی جامعه نمونه و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آن پرداخته می‌شود.

تجزیه و تحلیل نتایج آمار توصیفی متغیر مستقل

جدول مربوط به محاسبه آزمون خی دو (کای مربع) پاسخ‌های مطرح شده در سؤالات متغیر مستقل

رتبه	fo_{ij}	fe_{ij}	$fo_{ij} - fe_{ij}$	$(fo_{ij} - fe_{ij})^2$	$\frac{(fo_{ij} - fe_{ij})^2}{fe_{ij}}$
خیلی زیاد	۱۶	۱۱	۵	۲۵	۲,۲۷
زیاد	۱۴	۱۱	۳	۹	۱,۲۷
متوسط	۱۱	۱۱	۰	۰	۰
کم	۸	۱۱	-۳	۹	۰,۸۱
خیلی کم	۶	۱۱	-۵	۲۵	۲,۲۷
جمع	۵۵	۵۵	-	۶۸	۶,۶۲

فراوانی مورد انتظار

مجموع فراوانی‌ها با علامت fo_{ij} که مساوی است با ۵۵ تقسیم بر تعداد که پنج مورد

است. پس نتیجه مساوی است با $11 \sum_{ij} fo_{ij} / n = 16+14+11+8+6 / 5 = 11$

آماره آزمون که با علامت X^2 نیز مساوی است با فراوانی منهای مورد انتظار تقسیم

بر خود فراوانی مورد انتظار که نتیجه می‌شود $X^2 = (fo_{ij} - fe_{ij})^2 / fe_{ij} = 6.62$

$$df = (k_1 - 1)(k_2 - 1) = (5 - 1)(2 - 1) = (4)(1) = 4$$

$$a = 0/05$$

$$x_{2adf} = (6.62)(0/05)(4) = 1.32$$

$$x_{2adf} \geq x_2 = 1.32 \geq 6.62$$

بنابراین X^2 محاسبه شده ۶,۶۲ و مقدار بحرانی ۱,۳۲ است و باید کمتر و یا مساوی

مقدار X^2 محاسبه شده باشد.

چون X^2 نشان‌دهنده آن است که بین سؤالات متغیر مستقل و تابع بستگی وجود دارد،

برای محاسبه شدت آن (ضریب توافقی) از فرمول زیر استفاده می‌شود:

مجذور X^2 تقسیم بر حاصل فراوانی (جامعه نمونه) + X^2 .

$$C = 0.107 \times 100 = \%10.7$$

که نشان‌دهنده آن است که شدت ضریب بستگی (ضریب توافقی) بین رویکردهای سیاست خارجی ترکیه از بی‌طرفی تا میانجی‌گری و حمایت از گروه‌های تارشگری در سوریه و تأثیر آن بر امنیت نظامی ایران میزان ۱۰,۷٪ بوده است؛ یعنی متغیر مستقل و تابع از یکدیگر مستقل نبوده و بر یکدیگر تأثیرگذار هستند.

جمع‌بندی و پیشنهادات

تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده با استفاده از ابزارهای اسناد و مدارک و پرسشنامه نشان می‌دهد رویکرد ترکیه در قبال بحران سوریه در ابتدای این بحران، بی‌طرفی بوده است. در این راستا سفر مقامات دو کشور ترکیه و سوریه و عدم دخالت ترکیه در امور سوریه نشان‌دهنده رویکرد بی‌طرفی ترکیه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد رویکرد بی‌طرفی ترکیه در قبال بحران در سوریه شامل تمرکز بر نوع‌مانی‌گرایی، صفر کردن تنش‌ها با همسایگان و توسعه روابط اقتصادی بوده است.

از سوی دیگر تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد مقامات ترکیه به دنبال ایفای نقش ترکیه متناسب با تاریخ و فرهنگ و جغرافیای این کشور در عرصه منطقه‌ای هستند و این هدف را با افزایش سرمایه‌گذاری ترکیه در حوزه قدرت نرم و افزایش همکاری با کشورهای منطقه در قالب سیاست میانجی‌گری ترکیه در بحران سوریه دنبال نموده‌اند.

علاوه بر این، داده‌های گردآوری شده نشان‌دهنده سیاست حمایت و پشتیبانی ترکیه از گروه‌های تارشگری در سوریه است که این سیاست با خرید نفت خام از گروه‌های تارشگری، فروش آثار باستانی سوریه از طریق خاک ترکیه، فروش اعضای بدن کشته‌شدگان تارشگران، معاملات با تارشگران در قبال آزادی گروگان‌ها و اسیران و کمک مالی و لجستیکی به گروه‌های تارشگری دنبال شده است.

در پایان پس از بررسی یافته‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها مشخص می‌گردد که رویکرد سیاست خارجی ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده که این تأثیرات عبارت است از:

۱. تغییر موازنه قوای منطقه‌ای به زیان ایران؛

۲. ظهور و تقویت گروه‌های تارشگری ضد ایران در منطقه غرب آسیا؛
۳. افزایش تهدیدات قومیتی در ایران؛
۴. افزایش فرقه‌گرایی در منطقه غرب آسیا؛
۵. افزایش تهدیدات مرزی؛
۶. تضعیف محور مقاومت در منطقه؛
۷. شکل‌گیری الگوی منازعه به جای همکاری در منطقه؛
۸. افزایش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه غرب آسیا؛

پیشنهادات

۱. با توجه به نتایج این مقاله که نشان می‌دهد رویکرد سیاست خارجی ترکیه طیف وسیعی از تأثیر را بر امنیت نظامی ایران دارد، ضرورت دارد جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نقش سایر قدرت‌های حاضر در سوریه مانند روسیه و ایجاد سازوکارهای چندجانبه، مانع اجرای سیاست ترکیه در قبال گروه‌های تارشگری در سوریه شود.
۲. نتایج این مقاله نشان می‌دهد تأثیر رویکردهای سیاست خارجی ترکیه در حمایت از گروه‌های تارشگری در سوریه بر امنیت نظامی ایران تأثیر زیادی دارد، بنابراین یکی از راهکارهای ایران در مقابل این تهدیدات می‌تواند ایجاد موازنه تهدید با استفاده از بازیگران همسو با ایران و یا دشمنان دولت ترکیه در سوریه باشد. ضروری است جمهوری اسلامی ایران با استفاده از قدرت کردها، حزب‌الله و گروه‌های مبارز مانند فاطمیون، زینیون و حیدریون حاضر در سوریه در برابر تهدیدات ترکیه موازنه تهدید ایجاد نماید.
۳. جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از تأثیر نامطلوب سیاست‌های خارجی ترکیه در حمایت از گروه‌های تارشگری در سوریه بر امنیت نظامی خود می‌بایست نقش‌آفرینی خود در سوریه را از طریق تعامل با ترکیه ارتقا بخشد.
۴. نهادهای بین‌المللی ظرفیت زیادی در جلوگیری از ترکیه در اعمال سیاست حمایت از گروه‌های تارشگری دارند؛ بنابراین لازم است جمهوری اسلامی ایران از این ظرفیت حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد.

۵. نتایج این مقاله در اختیار وزارت امور خارجه و نهادهای نقش‌آفرین در سوریه قرار گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- احمدیان، حسن (۱۳۹۰)، *خیزش‌های عربی و دگرگونی در سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه*، قابل دسترس در: <http://strategic review.org> 1390/7/17
- اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۰)، *سیاست‌های خارجی جدید ترکیه*، ریشه‌های داخلی قابل دسترس در: <http://kochapress.com/archive/index.php? Option>
- اطهری، اسدالله (۱۳۸۹)، *اصول جدید سیاست‌های خارجی ترکیه*، قابل دسترس در: <http://arsh.mahblog.com/content> 1389/9/18
- امیدی، علی و فاطمه رضایی، (۱۳۹۰) عثمانی‌گرایی جدید در سیاست‌های خارجی ترکیه و شاخص‌ها پیامدهای آن در خاورمیانه، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم، پاییز، صص ۳۷-۵۹.
- انصاری، جواد، (۱۳۷۴)، *ترکیه در جست‌وجوی نقشی تازه در منطقه*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۷۵)، *سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر آوای نور.
- چگینی‌زاده، غلامعلی و خوش‌اندام، بهرام (۱۳۸۸)، *تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست‌های خارجی ترکیه*، *راهبرد*، شماره ۵۵، تابستان، صص ۲۴-۱۲.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۹۰)، *مواضع ترکیه در قبال تحولات منطقه*، سازگاری و تناقض‌ها، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۵۰، آبان، صص ۶۷-۴۵.
- حمیدی‌نیا، حسین (۱۳۸۱)، *کتاب سبز ایالات متحده آمریکا*، انتشارات وزارت امور خارجه.
- خلیج منفرد، شیرازی، ابوالحسن (۱۳۹۰)، *انقلاب‌های منطقه و نقش ترکیه*، تلاش برای الگو شدن، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۵۰، آبان، صص ۱۲۱-۱۰۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، *چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، تهران، انتشارات سمت.
- سیمبر، رضا و قاسمیان، روح‌الله (۱۳۹۳)، *مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه*، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال سوم، شماره ۹، تابستان، صص ۵۲-۳۳.

- شیرازی، حبیب‌الله و پارسه، رضا (بهار ۱۳۹۳)، ائتلاف سه‌گانه ایران، سوریه و حزب‌الله و تأثیر آن بر منافع آمریکا در خاورمیانه، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره سوم، شماره اول، صص ۱۷-۳۲.
- صفوی، سید حمزه (۱۳۸۷)، *کالبدشکافی سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۳)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران، انتشارات سمت.
- کاظمی علی‌اصغر (۱۳۷۲)، *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، تهران، نشر قومس.
- محمدی منوچهر (۱۳۸۴)، *سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسائل*، تهران، نشر دادگستر.
- متقی، ابراهیم و سعیدی، ابراهیم (۱۳۹۴)، بررسی سیاست‌های خارجی ایران در قبال بحران سوریه، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال ششم، شماره ۴، صص ۳۴-۴۸.
- مقتدر هوشنگ، (۱۳۷۰)، *سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر مفهرس.
- مؤلفان، (۱۳۹۶)، *فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان*، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نیاکوئی، سید امیر؛ اسمعیلی، علی و ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۲)، تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۳)، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره اول، بهار، صص ۱۴۳-۱۲۱.
- واکر، یوشا (۱۳۹۰)، تعامل جدید ترکیه با جهان عرب، ترجمه عسگر قهرمان‌پور، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۵۰۸، آبان، صص ۲۵-۱۳.
- وفايي، داوود (۱۳۹۰)، چالش‌های سیاست‌های خارجی ترکیه، دوری از مدار صفر درجه، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۵۰، آبان، صص ۴۸-۳۲.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- یزدان‌پناه درو، کیومرث و نامداری، محمدمهدی (۱۳۹۲)، بحران سوریه با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، *دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*، سال دوم، شماره سوم، صص ۴۳-۶۱.

ب. انگلیسی

- Barkey, Henry (2011), *Turkey and the Arab Spring*, <http://www.carnegieendowment.org/2011/04/28-turkey-and-arab-spring/223>.
- Duman, Ismail (2011), "Future of Syria and Turkey's difficult test with ", *World Bulletin*.

- Esfandiary, Dina&Ariane Tabatabai (2015) Iran's ISIS policy, *The Royal Institute of International Affairs* 91:1.
- Gause, Gregory F. (2014) Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War, Foreign Policy, *Brookings Doha Center*, Analysis Paper, November.
- Guzzini, Stefano, (2000), A Reconstruction of Constructivism in International Relations, *European Journal of International Relations*, vol. 6. Pp 32-54.
- Goodarzi, Jubin (2013) Iran: Syria as the first line of defence in Julien Barnes-Dacey, & Daniel Levy (eds). *The Regional Struggle for Syria*, European Council on.
- husain, ed(2011), *Turkish lesson for us foregin policy,council foregin Relation*, "http.cfr.org /Husain/2011/09/30/Turkish-lesson-for-us -Foregin policy
- Kaufman, Stuart J, Richard little and William C. Wohlforth (2007) The balance of Power in World History, *Palgrave macmillan*
- Lister, Charles (2014) Profiling the Islamic State, *Brookings Doha Center Analysis Paper*, Number 13.
- smith, steve, (2001), "*Foreign Policy is what states Make of it*", in Foreign Policy in constructed world, by: V. Kubálková, Published: Routledge.
- Stuart,hanah(2011), turkey and arab spring"by henry jasckson socie- ty,strategic briefing- Mahfudh, Aqeel (2012) Syria and Turkey: a turning point or a historical bet?, *Arab Center for Research and Policy Studies*.
- Turkey's Middle. East Policies. Between. Neo-Ottomanism and Kemalism. Ömer Taspinar. *Carnegie Middle East Center*. Number 10. September 2008 ... <https://carnegieendowment.org/files/cmec10taspinar>

